

کتابخانه باید جای «بلند فکر کردن» باشد



رزا اسماعیلی
شاعرو پژوهشگر

چرا کتاب...؟ می‌خواهم این یادداشت را با همین سؤال دو کلمه‌ای آغاز کنم. به راستی چرا کتاب؟ در پاسخ به این سؤال ابتدا باید با او دایره تعریف سنتی کتاب بیرون بگذاریم و با تعریفی امروزی‌تر به ملاقات این یار مهربان برویم. در تعریف سنتی، کتاب نقش «دانای کل» را بازی می‌کند. پیر همه چیزدانی که هر سؤالی را باید از او پرسید. «حل المسائل» که دست ما را می‌گیرد و بی‌هیچ ریاضتی روبه‌روی دروازه «پاسخ» پیاده می‌کند، ولی در دنیای امروز، کتاب تعریف دیگری دارد. در دنیای امروز، کتاب راهی برای رسیدن به پرسش‌های جدید، کشف راه‌های نرفته و ایجاد چالش برای تکاپوی فکری بیشتر است.

انسان امروز پیش و پیش از آنکه با مطالعه کتاب به دنبال رسیدن به جواب و حل معماهای لاینحل باشد، به دنبال کشف سؤالات جدید و ایجاد تکانه‌های فکری برای پرورش ذهنی خلاق و نقاد است که او را به تکاپو و جست‌وجو برای کشف معمای هستی وادارد.



در دنیای امروز، کتاب راهی برای رسیدن به «سؤال» و مکاشفه بیشتر در فلسفه هستی است. این «سؤال» است که راه اندیشیدن را بر انسان هموار می‌کند و باعث تبدیل «محفوفات» به «معلومات» می‌شود.

اگر امروز قصدمان از همنشینی با کتاب انباشت اطلاعات و بالا بردن حجم محفوظات باشد، بی‌هیچ تردیدی قافیه را باخته‌ایم. ولی اگر محصول همنفسی و همنشینی ما با کتاب، جانی روشن و ذهنی نقاد و تحلیلگر باشد، راه را یافته‌ایم.

از این منظر باید «مطالعه» را به فرایندی هدفمند و آگاهانه تبدیل کنیم: فرایندی که مسیر تکامل روحی انسان را هموار کند و توانمندی‌های بالقوه ما را به مدد «شناخت و آگاهی» به فعلیت درآورد. برای انسان‌هایی که به بلوغ فرهنگی و علمی رسیده‌اند، مطالعه ابزاری است برای غواصی در اقیانوس کرانه ناپید حکمت و معرفت و رسیدن به بینشی عمیق که راه «خودشناسی» و «خداشناسی» را بر آن هموار می‌کند.

اما بعد...

میزان رشد یافتگی و فرهیختگی یک جامعه را از آمار چاپ کتاب و تعداد جمعیت کتابخوان آن جامعه می‌توان فهمید، چراکه مهم‌ترین نشانه یک جامعه با «بلوغ فرهنگی» توجه به کتاب و کتابخوانی است. فقر فرهنگی و عقب‌ماندگی اجتماعی نیز معلول بی‌توجهی به کتاب و کتابخوانی است. نشانه فقر فرهنگی، به حاشیه راندن کتاب و جایگزین کردن دلمشغولی‌های گاذب به جای کتاب است. فقر مطالعه، جهل و خرافات را پرور می‌کند و انس با کتاب، به انسان حیات طیبه می‌بخشد. هر جا که با مطالعه، کتاب و اندیشه سر و کار داریم، از جهل، خرافه و تحریف خبری نیست، چراکه مطالعه و کتاب مردم زخم جهل، تحریف و خرافه است. اگر جامعه‌ای به دنبال سعادت و رستگاری است، باید به سایه‌سار کتاب پناه ببرد.

خداوند در قرآن خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «أَفْرَأَ» بخوان. «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» بخوان به نام خدایی که به وسیله قلم آموخت. «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» آنچه را که انسان نمی‌دانست. آری، انسانی که با کتاب، کلمه و اندیشه سرور کار دارد با عالم هستی پیوند سازنده‌ای برقرار می‌کند و در شناخت پدیده‌های هستی به دانش و بینش جدیدی دست می‌یابد. بنابراین کتاب، انسان را برای رویارویی با پدیده‌های عالم هستی مجهز می‌کند تا با نگاهی نو آنها را مورد شناسایی قرار دهد و افق دیدش گسترده‌تر شود. مطالعه باعث پوست‌اندازی و نو شدن اندیشه‌ها می‌شود. خلاقیت و نوآوری نیز محصول تفکر، تدبیر و تعمق است. هر قدری که با کتاب و کتابخوانی مانوس است، لحظه به لحظه پوست‌اندازی می‌کند و با اندیشه‌ها و ایده‌های نو روبه‌رو می‌شود.

«دعوت به خواندن» کلید حل همه مشکلات جامعه بشری است. در جهان بینی قرآنی و وحیانی نیز «مدینه فاضله» و «آمان‌شهر» با خشت کلمات بنا می‌شود.

کتاب و کتابخانه

به‌رغم تصور عمومی، کتابخانه فقط جای کتاب خواندن و دعوت به «سکوت» نیست. کتابخانه باید جای «بلند فکر کردن» هم باشد. ما باید افکار همدیگر را در کتابخانه‌ها بشنویم، گاهی در سکوت و با خواندن کتاب، گاهی با هم‌اندیشی و «بلند فکر کردن». اگر می‌خواهیم فرهنگ عمومی را ارتقا ببخشیم، باید از کتابخانه‌ها شروع کنیم. محیط کتابخانه به انسان انرژی می‌دهد. باید از هر راهی که می‌توانیم، خانواده‌ها را با کتاب آشتی بدهیم و پای مردم را به کتابخانه‌ها باز کنیم. یقین داشته باشید که راه سعادت، بهروزی و خوشبختی از کتابخانه‌ها می‌گذرد. در همنشینی و همنفسی با کتاب می‌توان به یک زندگی سالم و انسانی دست یافت؛ یک زندگی پاک و معنوی که کرامت‌ها و ارزش‌های انسانی در آن متجلی است.

امیدوارم جامعه ایران روز به روز در مسیر انس با کتاب و مطالعه گام‌های بلندتری بردارد و در آینده‌های نزدیک شاهد جامعه‌ای کتابخوان باشیم که با معرفت و نور اندیشه در حال حرکت است تا به مدد کتاب و کتابخوانی جامعه‌ها را از سقوط در چاله‌های ظلمت، جهل و گمراهی حفظ کنیم.

کتاب «من اعتراف می‌کنم» در نمایشگاه کتاب بررسی شد

اثری برای اثبات پوچی و حقارت مجاهدان خلق



عکس: ابوالفضل نسایی / ایران

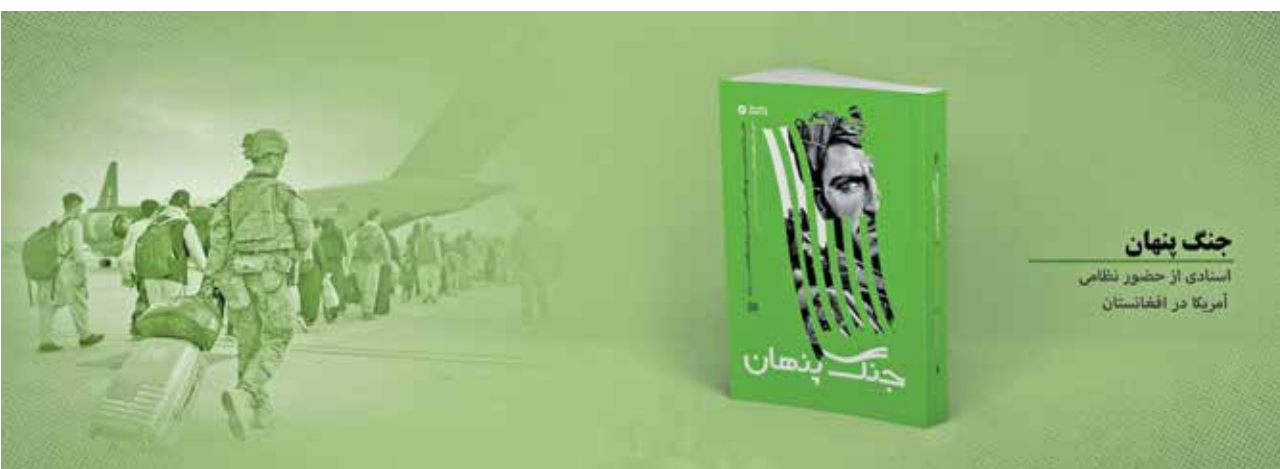
آیین رونمایی و بررسی کتاب «من اعتراف می‌کنم» نوشته محمد رحمانی، با حضور جمعی از فعالان سیاسی زمان پهلوی همچون عزت‌الله مطهری (شاهی)، سیدمحمد رضویان، خسرو قنبری تهرانی، ناصر رضوی، احمدرضا کریمی و اکبر طاهری سه‌شنبه ۲۶ دیبهرشت در غرفه مجمع نشران انقلاب اسلامی برگزار شد. احمدرضا کریمی، از زندانیان سیاسی زمان شاه و نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر، در ابتدا گفت: من با وحید افراخته مدت زیادی بودم. چند سالی که آقای رحمانی در تدارک این کتاب بود، خوشبختانه از زاویه‌ای به این مسأله نگاه می‌کرد که جدید بود. ایشان مطلقاً موضعی به شخص وحید افراخته نداشت و همین باعث شد ایشان بتوانند خیلی چیزها را ببینند. مثل اظهارات خواهر افراخته که پیش از آن اصلاً دیده نشده بود.

آیین رونمایی و بررسی کتاب «من اعتراف می‌کنم» نوشته محمد رحمانی، با حضور جمعی از فعالان سیاسی زمان پهلوی همچون عزت‌الله مطهری (شاهی)، سیدمحمد رضویان، خسرو قنبری تهرانی، ناصر رضوی، احمدرضا کریمی و اکبر طاهری سه‌شنبه ۲۶ دیبهرشت در غرفه مجمع نشران انقلاب اسلامی برگزار شد. احمدرضا کریمی، از زندانیان سیاسی زمان شاه و نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر، در ابتدا گفت: من با وحید افراخته مدت زیادی بودم. چند سالی که آقای رحمانی در تدارک این کتاب بود، خوشبختانه از زاویه‌ای به این مسأله نگاه می‌کرد که جدید بود. ایشان مطلقاً موضعی به شخص وحید افراخته نداشت و همین باعث شد ایشان بتوانند خیلی چیزها را ببینند. مثل اظهارات خواهر افراخته که پیش از آن اصلاً دیده نشده بود.

برای پایداری و مقاومت نداشت. علت

مروری بر کتاب «اسناد افغانستان، تاریخچه پنهان جنگ»

گودالی تاریک از پول تمام‌نشدنی



فقط مطبوعات آزاد که زیر فشار نیستند، می‌توانند به‌شکلی مؤثر فریبکاری دولت‌ها را افشا کنند و مهم‌ترین وظیفه مطبوعات آزاد این است که مانع از فریب خوردن مردم توسط بخش‌های مختلف حکومت و فرستاده شدن آنها به سرزمین‌های دور برای اینکه با تب و گلوله و خمپاره از پا درآیند، شوند. این بخشی از اظهار نظر هوگو آل. بلیک، قاضی دیوان عالی آمریکا در نیویورک تایمز علیه ایالات متحده مشهور به پرونده اسناد پنتاگون است که ۳۰ ژوئن ۱۹۷۱ منتشر شد و موجی از بازخورد‌ها را به همراه داشت. جملاتی کلیدی که سیاست آمریکا در قبال افغانستان را شفاف‌تر از هر زمان دیگری پیش‌روی مردم می‌گذاشت و همین اهمیت باعث شد که کریگ وایت‌لان آن را به عنوان دیباچه ابتدای کتاب «اسناد افغانستان، تاریخچه پنهان جنگ» که انتشارات ایران» به تازگی آن را منتشر کرده،

ثبت کند. کریگ وایت لاک، خبرنگار محقق واشنگتن پست است. او از سال ۲۰۰۱ به عنوان خبرنگار خارجی، گزارشگر پنتاگون و کارشناس امنیت ملی، اخبار جنگ جهانی علیه تروریسم را برای واشنگتن پست پوشش داده است. در سال ۲۰۱۹، پوشش خبری او از جنگ در افغانستان آنها در افغانستان جورج پولک برای گزارش نظامی، جایزه اسکرپیس اوارده برای گزارش جایزه ویراستاران آزادی اطلاعات و جایزه روزنامه‌نگاری رابرت اف. کندی برای گزارش بین‌المللی شد. او از بیش از ۶۰ کشور گزارش تهیه کرده و سه بار نامزد جایزه پولیتزر شده و همین کتابی که از آن اسم بردیم یکی از مهم‌ترین آثار او به حساب می‌آید.

در واقع کتاب «اسناد افغانستان»، با روایتی مستند و خواندنی به ناکامی سیاست‌ها و دخالت‌های ایالات متحده آمریکا در کشور افغانستان می‌پردازد و نشان می‌دهد که به اهداف بزرگی در افغانستان و منطقه دست یافته‌اند. از نظر مصاحبه‌شوندگان، مقامات نظامی و سیاسی آمریکا در کابل و کاخ سفید با تحریف آمارها دنبال آن بودند تا این‌گونه جلوه دهند که ایالات متحده در جنگ پیروز شده است، در حالی که مطلقاً این‌طور نبود و

تصویری که دولتمردان آمریکایی از جنگ افغانستان به مردم آن کشور ارائه داده‌اند، عاری از حقیقت بوده و به صورت حرفه‌ای سانسور شده است. این کتاب، به دنبال ارائه گزارش رسمی از جنگ ایالات متحده در افغانستان و یا بیان تاریخ این جنگ نیست، بلکه تلاشی است در جهت نشان دادن این موضوع که جنگ افغانستان اشتباه نامیدکننده‌ای از سوی ایالات متحده آمریکا بود و اینکه دولت‌های مختلف این کشور چگونه توانستند در طی این سال‌ها به‌طور پیوسته حقایق را از مردم پنهان نگاه دارند. وایت‌لاک در بخشی از این کتاب مهم می‌نویسد: «چه پیش‌آمد که جنگ تبدیل به بن‌بستی شد که در آن هیچ چشم‌انداز واقعی‌ای برای پیروزی‌های پایدار دیده نمی‌شد؟ ایالات متحده و متحدانش در سال ۲۰۰۱ به طالبان و القاعده یورش برده و آنها را سرکوب کرده بودند. کجای قضیه ایراد داشت؟



این کتاب یک

دایرةالمعارف است؛ چون نام تمام افرادی که در متن آمده، در پاورقی هم معرفی شده‌اند و پاورقی و پیوست‌ها و ضمائم بسیار جالبی دارد. با اینکه نویسنده خودش دیدگاه خاصی دارد، سعی کرده دیدگاهش را در این کتاب وارد نکند و بی‌طرفانه نوشته است

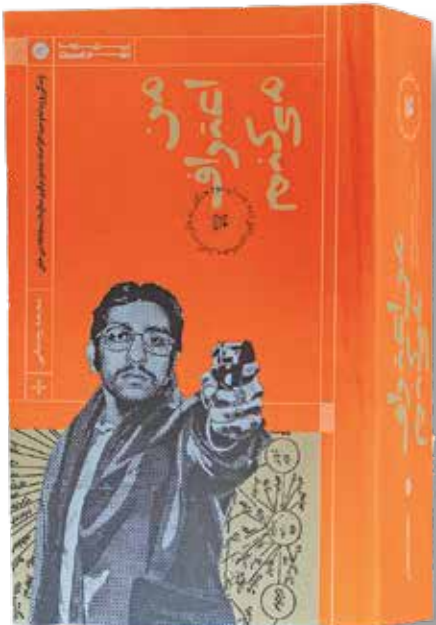
می‌شد کتاب کوچک‌تری به همراه یک ضمیمه منتشر کرد. نمی‌شود انتظار داشت جوانان این کتاب را بخوانند.

قنبری تهرانی عنوان کرد: این کتاب اوج ماجراهای سال ۵۴ و جریان مارکسیست شدن سازمان و مقطع حساسی است. افرادی مثل افراخته و خاموشی که بیشتر با او آشنا هستم، فاقد ایدئولوژی بودند. اینها آدم‌های بی‌انگیزه‌ای شده بودند و دیگر مسائل عجیب و غریب آن موقع سازمان باعث شده بود به پوچی برسند و با این پوچی بود که این همه آدم را لو دادند. این کتاب اوج حقارت و پوچی آنها را نشان می‌دهد.

سپس سیدمحمد رضویان بیان کرد: مقطعی که این کتاب انتخاب کرده مقطع خوبی درباره تاریخ معاصر ایران است. این بحران هویت که در آن مقطع وجود داشت فقط مخصوص سال ۵۴ نیست. اقبال از این کتاب نشان‌دهنده تشنگی جامعه در خصوص این مسائل است. من دوست داشتم نگارنده موضع کمتری داشته باشد و بیشتر به اسناد وفادار باشد.

اکبر طاهری، پژوهشگر تاریخ معاصر نیز گفت: باید به آقای رحمانی خسته نباشید گفت چون کمتر جوانی را دیدم که این‌طور با تلاش سال‌های زیاد عمرش را برای چنین موضوعاتی بگذارد. این کتاب و موضوع وحید افراخته بسیار مهم است چون افراخته شخصی بود که بعد از دستگیری و همکاری زیادش با ساواک به قولی بیش از هزار صفحه تک‌نویسی درباره افراد مختلف دارد. این فرد کسی است که ساواک می‌گوید ما ده سال در مبارزه با جنگ چریکی جلو افتادیم. یعنی اگر افراخته دستگیر نمی‌شد و این‌طور با ساواک همکاری نمی‌کرد، قطعاً ساواک در سرکوب جنگ چریکی در ایران بسیار کار مشکلی داشت. جنگ چریکی به‌ویژه در سال‌های ۵۰ تا ۵۵ فقط در اختیار دو گروه چریک‌های فدایی و مجاهدان خلق بود. تبلیغات آنها در گرایش جوانان بسیار مؤثر بود. حتی تا پیش از اینکه ایدئولوژی واقعی آنها مشخص شود، بسیاری از شخصیت‌های ما به آنها کمک می‌کردند؛ مثل آقایان مطهری، طالقانی، منتظری و حتی مهدوی کنی. در نتیجه مطالعه درباره وحید افراخته بسیار مهم است.

طاهری ادامه داد: این کتاب یک دایرةالمعارف است؛ چون نام تمام افرادی که در متن آمده، در پاورقی هم معرفی شده‌اند و پاورقی و پیوست‌ها و ضمائم بسیار جالبی دارد. با اینکه نویسنده خودش دیدگاه خاصی دارد، سعی کرده دیدگاهش را در این کتاب وارد نکند و بی‌طرفانه نوشته است.



هیچ‌کس جمع‌بندی و تحلیل دقیقی از شکست‌های راهبردی نداشت و نمی‌توانست درباره علل از هم پاشیده شدن پویشی که برای مبارزه با القاعده به راه افتاده بود، توضیح قانع‌کننده‌ای را ارائه بدهد. تا امروز هیچ روایت افغانستانی‌ای از کمپسویون ۱۱ سپتامبر ارائه نشده است که دولت را مسئول ناتوانی خود در جلوگیری از بدترین حمله تروریستی به خاک آمریکا بداند. کنگره نیز از نسخه افغانستانی جلسه استماع دادرسی فولبرایت که در آن سناتورها به شدت جنگ ویتنام را زیر سؤال بردند، گزارشی ارائه نداده است.

«اسناد افغانستان، تاریخچه پنهان جنگ» که در پنج بخش مفصل به این جنگ و پس‌زمینه‌ها و نتایج بیهوده‌اش پرداخته چشم‌اندازی دقیق و درست و البته معتبر از حضور آمریکا در افغانستان و جنگی پرتلغات که هرگز از سوی آمریکایی‌ها مورد بازخواست و توضیح قرار نگرفت ارائه می‌دهد و آن را «گودالی تاریک از پول تمام‌نشدنی» می‌نامد؛ گودالی که می‌توان نمونه آن را در جنگ عراق هم دید و درسی که گویا آمریکایی‌ها از این حضورها و جنگ‌های بیهوده نمی‌برند. نویسنده در فصل هجدهم کتاب به‌نام «توهم بزرگ» از مسأله‌ای که آمریکایی‌ها سال‌هاست با آن درگیر هستند پرده برمی‌دارد و می‌نویسد: «اوباما می‌خواست در عراق از سونوشتی شبیه به افغانستان اجتناب کند، اما نیروهای آمریکایی به زمان بیشتری نیاز داشتند تا بتوانند ارتش متزلزل افغانستان را سرپا بگذارند تا مثل نیروهای عراقی خیلی زود از هم پاشند. همچنین اوباما می‌خواست کتاب دولت کابل اهرمی ایجاد کند تا طالبان برای پایان دادن به مناقشه تشویق به مذاکره شود. کتابی که «انتشارات ایران» آن را به تازگی در ادامه آثار مکتوب در حوزه دیپلماسی خاورمیانه منتشر کرده کتاب مهمی است که می‌توان خواندن آن را به علاقه‌مندان این حوزه پیشنهاد داد.



این کتاب، ارائه گزارش رسمی از جنگ ایالات متحده در افغانستان و بیان تاریخ این جنگ نیست، بلکه تلاشی است در جهت نشان دادن این موضوع که جنگ افغانستان اشتباه نامیدکننده‌ای از سوی ایالات متحده آمریکا بود و اینکه دولت‌های مختلف این کشور چگونه توانستند در طی این سال‌ها به‌طور پیوسته حقایق را از مردم پنهان نگاه دارند.

این کتاب، ارائه گزارش رسمی از جنگ ایالات متحده در افغانستان و یا بیان تاریخ این جنگ نیست، بلکه تلاشی است در جهت نشان دادن این موضوع که جنگ افغانستان اشتباه نامیدکننده‌ای از سوی ایالات متحده آمریکا بود و اینکه دولت‌های مختلف این کشور چگونه توانستند در طی این سال‌ها به‌طور پیوسته حقایق را از مردم پنهان نگاه دارند.